

پیش‌خواران

حاشیه‌ای بر انتشار خاطرات و اسناد آیت‌الله سیدمر تقی مستجابی

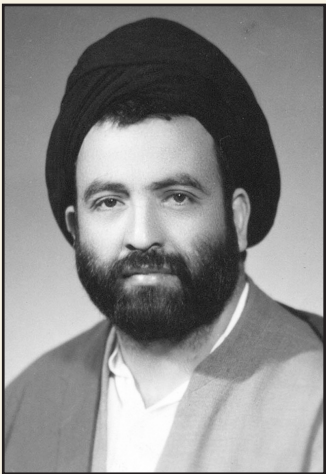
مبارز پاکباز و بی‌ادعای نهضت ملی ایران

■ شاهد توحیدی



اثری که هم‌اینگ‌در معرفی آن سخن می‌رود، روایت‌ها و اسنادی از زندگی و مبارزات یکی از فعالان نهضت ملی ایران را در درون خویش دارد. آیت‌الله سید

مستجاب‌الدعوائی) از تحصیلکردگان نجف اشرف بود که پس از حضور در تهران و آشنایی با آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی و سایر جریانات و اضلاع نهضت ملی ایران، به این حرکت مردمی پیوست و «خطرات آیت‌الله مستجابی» در دو جلد توسط امیر قنبری تدوین یافته و مرکز اسناد انقلاب اسلامی به انتشار آن همت گماشته است. تارنمای ناشر، در معرفی صاحب‌خاطرات چنین آورده است: «آیت‌الله مستجابی از یک سو در صفا اول مبارزات و تحولات اجتماعی و سیاسی ایران در یک سده اخیر نقش آفرینی کرده، از دیگر سو خود از علما و دانشمندان معاصر و از بزرگ‌ترین بیوت علمی و سرشناس، از خاندان علم و فقاقت (الصدر عالی) و نیز پهلوان گود زورخانه، اهل شعر و ادب و هنر، سیاست و کرامت و متصف به صبر، پرهیزکاری و منات است. ایشان از یاوران آیت‌الله کاشانی، رفیق خاص شهید سیدمجتبی نواب‌صفوی، محرم اسرار امام موسی صدر، یار باوفای شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر، دوست صدیق آیت‌الله سیدمصطفی خمینی، پناه مظلومان و پشتیبان عالمان و دانشمندان و پشت و پناه مردم بوده و اسد برده اسلامی همیشه از بر کات نامبرده است برده است...».



■ آیت‌الله سیدمر تقی مستجابی در دوران جوانی و مبارزه

زنده یاد حجت‌الاسلام و‌المسلمین روح‌الله حسینیان، رئیس فقید مرکز اسناد انقلاب اسلامی در مقدمه این کتاب می‌نویسد: «هنگام بازخوانی نهضت ملی شدن صنعت نفت، با نام آیت‌الله مستجابی با همین عنوان آیت‌الله، در منابع نهضت آشنا شدم. از او در زمره مبارزاتی یاد شده بود که علیه استعمار نفت‌خوار انگلیس و رژیم وابسته پهلوی، دست به جهادی بی‌امان زده بود. در ذهنم چنین شکل گرفته بود که آیت‌الله مستجابی آن زمان، از لحاظ طبیعی، باید در بهشت نزد اولیا و اجدادش راجت جان طلبیده باشد تا اینکه دوستان دانشگاه صنعتی مالک اشتر اصفهان، مرا برای یک سخنرانی دعوت کر دند. پس از اتمام مراسم یکی از دانشجویان گفت: آیا تمایل به دیدار آیت‌الله مستجابی دارید؟ ابتدا با ناباوری پرسیدم: همان شخصی که در نهضت ملی شدن نفت نقش داشته است؟ گفت: آری. بی‌صبرانه اشتیاق خود را اعلام کردم تا به حضورش رسیدم؛ مردی که گذشت زمان جشمش را کهن کرده بود، ولی روحش پر از شادی و نشاط با همان روحیه انقلابی و ولایی. از سر حال بودن او سرخوش شدم و از سر آیت‌الله لقب گرفتم و از عنفوان جوانی پرسیدم. او پوشه‌ای را از لابه‌لای کتابخانه در هم ریخته‌اش بیرون کشید و سندی را ارائه داد که در همان جوانی آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی به او اجازه اجتهاد داده بود...».

با پان معرفینامه تارنمای مرکز اسناد انقلاب اسلامی درباره این مجموعه آمده است: «خاطرات آیت‌الله مستجابی به انضمام اسناد، دست‌نوشته‌ها و تصاویر، با روایتی جذاب و روان، خواننده را به دل تاریخ می‌کشاند. گفتنی است این دوره دو جلدی، در مجموع در هفت بخش تدوین شده است. این خاطرات، به تدوین امیر قنبری، با قیمت ۱۳۰ هزار تومان توسط مؤسسه فرهنگی- هنری مرکز اسناد انقلاب اسلامی چاپ و منتشر شده است...».

■ نیما احمدپور

بسا تحلیل‌گران بر آنچه در دو ماهه اخیر در کشورمان می‌گذرد، به دشواری آشوب و اغتشاش نام می‌نهند و آن را به امری فروتر از این عنوانین قرو می‌کاهند. با این همه به نظر می‌رسد بانیان برون مرزی این حرکت، در قبال آن آورده‌ای در حد شورش و آشوب می‌طلبند؛ همین مهم لازم می‌آورد که درباره تاریخچه این حرکت در دوران برقراری نظام اسلامی، دقتی دوباره صورت گیرد. مقال بی آمده با این هدف به نگارش در آمده است.

■ ■ ■

■ «عملیات مهندسی ۱۳۶۰» با شکنجه

و سوزاندن بدن‌ها!

برقراری نظام اسلامی با حمایت قاطع مردم از رهبری امام خمینی و شاگردان انقلابی ایشان، گروه‌های مسلحی را که در جلب حمایت مردم ناکام بودند بر آن داشت که به روی آنان تیغ بکشایند؛ رفتارهای این گروه، از مرز آشوب و اغتشاش گذشت و به ترور یا تعبیر آنان، «عملیات مهندسی» انجامید؛ آنان با اسلحه‌های سرد و گرم، مردم و مسئولان را مورد هدف قرار دادند و از این رهگذر، به دنبال رؤیای سقوط نظام بودند؛ مقالی بر تارنمای مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ماجرا به ترتیب پی آمده روایت شده است:

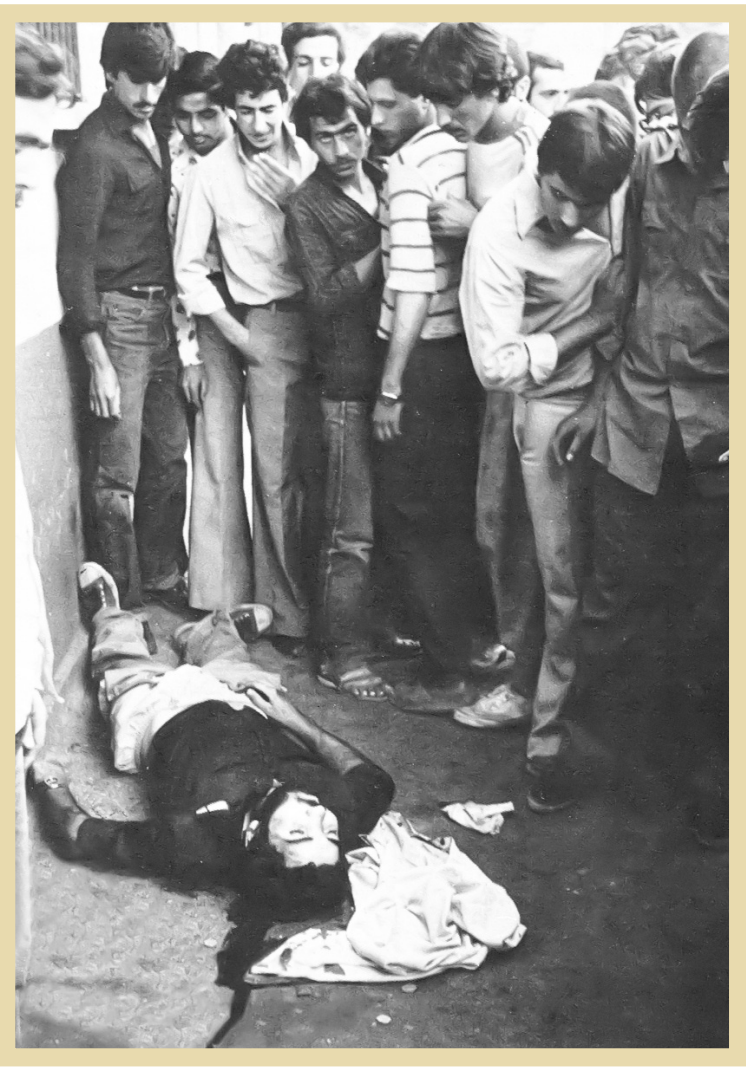
«با وجودی فتنه‌گری‌های سه‌سال نخست تأسیس نظام اسلامی و نهایتاً عزل بنی‌صدر، سازمان مجاهدین که خود را از همه ارکان قدرت بی‌نیص می‌دید، بدون توجه به نصایح مشفقانه امام امت، رسماً اسلحه به دست گرفت و در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰، اعلام جنگ مسلحانه کرد. در این روز اعضای سازمان به وحشیانه‌ترین صورت و حتی با سلاح سرد و تیغ و مکتبری، به جان مردم در خیابان‌ها دعوت کر دند. پس از اتمام مراسم یکی از دانشجویان گفت: آیا تمایل به دیدار آیت‌الله مستجابی دارید؟ ابتدا با ناباوری پرسیدم: همان شخصی که در نهضت ملی شدن نفت نقش داشته است؟ گفت: آری. بی‌صبرانه اشتیاق خود را اعلام کردم تا به حضورش رسیدم؛ مردی که گذشت زمان جشمش را کهن کرده بود، ولی روحش پر از شادی و نشاط با همان روحیه انقلابی و ولایی. از سر حال بودن او سرخوش شدم و از سر آیت‌الله لقب گرفتم و از عنفوان جوانی پرسیدم. او پوشه‌ای را از لابه‌لای کتابخانه در هم ریخته‌اش بیرون کشید و سندی را ارائه داد که در همان جوانی آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی به او اجازه اجتهاد داده بود...».

با پان معرفینامه تارنمای مرکز اسناد انقلاب اسلامی درباره این مجموعه آمده است: «خاطرات آیت‌الله مستجابی به انضمام اسناد، دست‌نوشته‌ها و تصاویر، با روایتی جذاب و روان، خواننده را به دل تاریخ می‌کشاند. گفتنی است این دوره دو جلدی، در مجموع در هفت بخش تدوین شده است. این خاطرات، به تدوین امیر قنبری، با قیمت ۱۳۰ هزار تومان توسط مؤسسه فرهنگی- هنری مرکز اسناد انقلاب اسلامی چاپ و منتشر شده است...».

در دو ماه اخیر و به بهانه مرگ مهسا امینی، امری فراتر از آشوب و اغتشاش روی داد که رهبر معظم انقلاب به آن «جنگ ترکیبی» لقب داده‌اند. در این جنگ دستور این است: «هر کس در هر مکان و زمان، هر کار که می‌تواند انجام دهد!» ظاهر ا برای بانیان آشوب، چیزی وحشت‌انگیز تر از اتمام آن نیست! امری که آنان را به خشونت و ترور یسم آشکار سوق داده و هوشیاری نهادهای مسئول و امنیتی کشور را می‌طلبد

تاریخ

تاریخ ۸۸۴۹۸۴۲۷



۲۰ خرداد، ۱۳۶۰، شهدای یکی از انقلاب‌یمن به دست منافقین در یکی از خیابان‌های تهران

د

بر قراری نظام اسلامی با حمایت قاطع مردم از رهبری امام خمینی و شاگردان انقلابی ایشان، گروه‌های مسلحی را که در جلب حمایت مردم ناکام بودند بر آن داشت که به سه روی آنان تیغ بکشایند؛ رفتارهای این گروه، از مرز آشوب و اغتشاش گذشت و به ترور یا تعبیر آنان، «عملیات مهندسی» انجامید؛ آنان با اسلحه‌های سرد و گرم، مردم و مسئولان را مورد هدف قرار دادند و از این رهگذر به دنبال رؤیای سقوط نظام بودند!

تاریخچه ایجاد اغتشاش در قلمرو نظام اسلامی در گستره ۴ دهه

اسلحه‌پراکنی، پول‌پاشی

و جنگ ترکیبی بی‌فرجام

به هر بهانه و طریقی از کشتن مردم عادی هم دروغ نمی‌کرند. طی روزهای نخست تابستان ۶۰ منافقین خسارت جبران‌ناپذیری به مردم و نظام برآمده از آرای آنها وارد ساختند. انفجار دفتر حزب جمهوری در هفتم تیر ۱۳۶۰ که منجر به شهادت آیت‌الله بهشتی و ۷۲ تن از اعضای حزب جمهوری اسلامی و همچنین انفجار دفتر نخست‌وزیری در هشتم شهریور همان سال و شهادت شهیدان رجایی و باهنر از اقدامات آنها بود. علاوه بر این جنایت‌های منافقین در شکنجه، ترور و کشتار مردم عادی و بی‌گناه، چهره سفاک این گروه‌گر را بیش از پیش هویدا کرد؛ از جمله این جنایت‌ها، عملیات آنها برای

دستگیری و شکنجه پاسداران کمیته‌های انقلاب اسلامی بود که از آن به عنوان عملیات مهندسی یاد می‌شود. شکنجه‌هایی همچون ضرب و شتم، سوزاندن نقاط حساس بدن با میله‌های داغ سرنی، سوزاندن قسمت‌های مختلف بدن و حتی کندن پوست سر پاسداران، تنها بخشی از جنایت فجیع و شمشز کننده یاران رجوی بود. اقدامات جلادانه و تروریستی منافقین در دهه ۶۰ منجر به شهادت ۱۷ هزار نفر از هموطنان و مردم این سرزمین شد که می‌توان از آن به یکی از مهم‌ترین و سخت‌ترین بحران‌های انقلاب‌های تروریستی سازمان منافقین، در سال‌های آغازین دهه ۶۰ تعبیر کرد. با این همه حضور پرشور و همه‌جانبه ملت در صحنه، این گروه را از صحنه خارج و سران آنان را ناگزیر از فرار از کشور کرد.»

■ «فتنه ۱۳۷۸» نخستین پروژه مشترک داخل و خارج!

در دهه دوم حیات نظام اسلامی، برخی نیروی چپ دهه اول انقلاب، لیبرال شدند و با دشمنان خارج از نظام همگرایی یافتند. اختلاف آنان با خارج، تنها در این بود که اینان در دوره جدید، تنها خود را متولی اصلاح می‌دانستند و آن را به یک رانت مبدل کرده بودند؛ غائله ۱۸ تیر ۱۳۷۸، حاصل کار این گروه بود که البته حمایت خارجی رانیز با خود داشت. در اثر «هشت سال بحران آفرینی اصلاح‌طلبان» در این فتره آمده است:

«در روز پنج‌شنبه ۱۷ تیر ۱۳۷۸، حدود ۲۰۰ الی ۲۵۰ نفر از اعضای تحکیم وحدت، در خیابان‌های داخل کوی دانشگاه شروع به راهپیمایی کردند و شعارهایی را در اعتراض به نمایندگان مجلس، به دلیل تصویب کلیات طرح اصلاح قانون مطبوعات و توقیف روزنامه متخلف سلام سردادند. این عده که پس از حدود یک ساعت راهپیمایی، تعداد آنان به ۵۰۰ نفر می‌رسید، شعارهایی چون: طرح سعیدآ امامی ملغی باید گردد، مجلس فرمایشی، انحلال و انحلال و مرگ بر استبداد را فریاد می‌کردند. سردمداران این راهپیمایی، پس از آنکه از حضور گسترده دانشجویان مایوس شدند و می‌خواستند به دلیل فصل امتحانات از سوی دانشجویان مورد اعتراض نیز قرار گرفتند، استراتژی فشار از پایین را برگزیدند که به منزله شکستی آشکار بود، سپس مسیر خود را به سمت بیرون از محوطه کوی دانشگاه، یعنی خیابان کارگر شمالی تغییر دادند. پس از حضور نیروی انتظامی، آشوبگران به مقابل در اصلی کوی دانشگاه بازگشتند. عده‌ای به داخل کوی رفتند، اما حدود ۲۰۰ نفر در وسط خیابان ماندند و به سردادن شعارهایی علیه نیروی انتظامی پرداختند. حدود ساعت ۱۲ شب، تعدادی از سربازان نیروی انتظامی جهت هدایت آشوبگران به داخل کوی، به سمت آنان حرکت کردند. در همین حین یکی از سربازان به دست آشوب‌طلبان اسیر شد و از ناحیه سر و صورت مورد ضرب و شتم قرار گرفت، اما با وساطت چند تن دیگر، پس از دقایقی آزاد شد. پس از این حادثه سربازان نیروی انتظامی از مقابل کوی دور شدند و هم‌زمان سنگ پراکنی و سردادن شعار از سوی آشوب‌طلبان طرفدار دفتر تحکیم وحدت آغاز شد که اوضاع با پرتاب شیشه‌های آتش‌زا از سوی غوغاگران تشنج‌تر شد. حضور تاج‌زاده، نماینده وزارت کشور و عضو ارشد حزب مشارکت که در حمایت غوغاییان سخن می‌راند، به جای فرونشاندن شعله‌های خشم، بر شدت آن افزود. کش‌وفوس‌ها ادامه یافت تا اینکه در جریان کنترل این حرکت‌ها توسط نیروی انتظامی،

«برخی دودستان و دردمندان آشفته‌حال و هیجان‌زده، غرق در برساخته‌های کاذب مجازی و رسانه‌ای دشمن، به قصد خیرخواهی و اصلاح‌گری، خواسته ناخواسته، هم‌سخن و هم‌دستان و هم‌آوای دشمن شده، شورش و آشوب برانداخته را را اعتراض و آشوبگران را مردم و جوانان نامیده، به همدلی و همدردی با مردمی پرداخته‌اند که اساساً در صحنه و کف خیابان، حضور و وجود ندارند؛ بله، مردم معترضند، به فقر و فساد و تبعیض اعتراض دارند، خواستار شایسته‌سالاری و کارآمدی و اقتدار نظامند، بهبود شرایط اقتصادی و رفاه عمومی و عدالت اجتماعی را مطالبه‌گرند، جویای تعمیق و افزایش امنیت اجتماعی و سلامت اخلاقی و رشد فرهنگی هستند، رعایت حقوق شهروندی و احترام به شخصیت انسانی و امیدواری به آینده را برای نسل کنونی و جدید مشتاقند، قانونمداری و قانونمندی همه احاد مقامات و مسئولان و مأموران را خواهند، مصونیت‌زدایی از وابستگی و پیوستگان را خواهند،



۱۴۰۱، حضور مردم در محل شهادت داغ‌دار از آریان علیرودی

ناگهان عناصر خودسر به خوابگاه دانشجویان حمله بردند و به ضرب و شتم دانشجویان پرداختند. صبح جمعه ۱۸ تیرماه، با زمینه‌سازی و قانون‌شکنی آشوب‌طلبان ابعاد تازه‌تری یافت...».

■ «فتنه ۱۳۸۸» دومین پروژه مشترک داخل و خارج!

همگرایی میان جریان موسوم به چپ با رسانه‌ها و حتی سرویس‌های خارجی، در دهه سوم تأسیس نظام اسلامی، به شدت توسعه و تعمیق یافت و به یکی از راهبردهای دائمی ایشان تبدیل شد. هم از این روی در آستانه انتخابات ریاست جمهوری در سال ۸۸، اعضای سستان انتخاباتی میرحسین موسوی در رویکردی آشکار، ارتباط با این نهاده‌ا و رسانه‌ها را در زمره یکی از اولویت‌های خویش قرار دادند. تارنمای فوق آمده این رویداد را چنین تحلیل کرده است:

«بر اساس راهبردهای طراحی‌شده از سوی ستاد میرحسین موسوی، لازم بود به بهانه بروز تقلب در انتخابات، موج اعتراضات و اردوکنشی خیابانی به راه افتد. متعاقب این طرح‌ریزی هنوز رای‌گیری پایان نیافته بود و مردم در تهران و برخی شهرهای بزرگ در پای صندوق‌های رای بودند که میرحسین موسوی طی مصاحبه‌ای با خبرنگاران داخلی و خارجی، خود را پیروز انتخابات معرفی کرد؛ با اعلام نتایج انتخابات، دروغ تقلب رمز فرمان آشوب شد و کشور را به مدت هشت ماه، دچار تلاطم و اردوکنشی‌های خیابانی کرد.

اردوکنشی‌های خیابانی پس از دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، ابتدا با تحمیل خسارت به اموال عمومی و خصوصی آغاز شد. با استناد به گزارش شهرداری تهران، در فتنه ۸۸ بیش از ۳۲ میلیارد تومان به اموال عمومی تهران خسارت وارد شد و علاوه بر این تعداد ۱۱ بانک دولتی و خصوصی و مؤسسه اعتباری، در اغتشاشات آن سال مورد تخریب و آتش‌سوزی واقع شدند که برآورد حاصله خسارت وارده به هر بانک، حدود ۵۰۰ میلیون تومان بود. آتش زدن اتوبوس‌های شهری، بانک‌ها، مساجد، سطل‌های زباله، اماکن دولتی و عمومی بخشی از خسارات میدانی فتنه‌گران را آشوب‌های فتنه ۸۸ بود. نکته جالب توجه، حمایت‌های مکرر کاخ سفید از آشوب‌ها و تخریب اموال عمومی فتنه‌گران را مردم ایران خواند و مدعی شد: صدای مردم ایران باید شنیده شود و نباید خاموش شود و در حالی که آشکارا از آشوبگران حمایت می‌کرد، خطاب به آنان گفت: مخالفان بدانند جهان به آنها چشم دوخته است... از جمله اهداف فتنه ۸۸، براندازی نظام بود. در همین رابطه، جهان‌بخش خاجانی، عضو ارشد حزب کارگزاران – که در جریان انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری، معاون تبلیغات و اطلاع‌رسانی ستاد تبلیغاتی میرحسین موسوی در تهران بود– اعتراف کرد: اگر چه نوک

حمله‌ها به سمت آقای احمدی‌نژاد و دولت‌ش بود (صرفنظر از ضعف‌هایی که داشت)، لیکن نیش‌های ما متوجه کلیت نظام بود... بنا بر اعتراض‌های وی، اردوکنشی‌های خیابانی با هدف رویارویی با نظام بر گزار می‌شد. وی همچنین اعتراف می‌کند: اگر اسلامی را در مسیر سقوط قرار داده بودیم؛ فتنه‌گران در ادامه اقدامات خود، در روز ششم دی‌ماه، هم‌زمان با عاشورای حسینی (ع) به صورت سازماندهی‌شده و بدون حمل هر گونه ادوات مخصوص عزارادان و دستجات عزاداری، در حالی که نمادهای سبز را حمل می‌کردند، از خیابان‌های اسکندری به سوی تقاطع خیابان توحید، میدان فردوسی به سمت میدان انقلاب، میدان امام حسین(ع)، پل چوپری، خیابان حافظ به سمت چهارراه کالج و چهارراه ولی‌عصر حرکت کردند و با اخلاص در عبور و مرور عززاداران و مردمی که در تردد به سمت مجالس عزاداری بودند، شعارهای انحرافی سر دادند. همچنین گزارش‌ات نشان از اخلاص آشوبگران در دیگر نقاط شهر می‌داد؛ اتفاقی که خشم مردم را برانگیخت و متعاقب آن، مردم در ۹ دی، اقدامات فتنه‌گران را به شدت محکوم کردند...».

■ «جنگ ترکیبی ۱۴۰۱» با استفاده از هر کس و هر چیز!

در دو ماه اخیر و به بهانه مرگ مهسا امینی، امری فراتر از آشوب و اغتشاش روی داد که رهبر معظم انقلاب به آن «جنگ ترکیبی» لقب داده‌اند. در این جنگ دستور این است: «هر کس در هر مکان و زمان، هر کار که می‌تواند انجام دهد!» ظاهر ا برای بانیان آشوب، چیزی وحشت‌انگیز تر از اتمام آن نیست! امری که آنان را به خشونت و ترور یسم آشکار سوق داده و هوشیاری نهادهای مسئول و امنیتی کشور را می‌طلبد. دکتر مجتبی سلطانی، تاریخ‌پژوه در باب هویت آشوبگر دانات ۱۴۰۱ بر این باور است:

«برخی دودستان و دردمندان آشفته‌حال و هیجان‌زده، غرق در برساخته‌های کاذب مجازی و رسانه‌ای دشمن، به قصد خیرخواهی و اصلاح‌گری، خواسته ناخواسته، هم‌سخن و هم‌دستان و هم‌آوای دشمن شده، شورش و آشوب برانداخته را را اعتراض و آشوبگران را مردم و جوانان نامیده، به همدلی و همدردی با مردمی پرداخته‌اند که اساساً در صحنه و کف خیابان، حضور و وجود ندارند؛ بله، مردم معترضند، به فقر و فساد و تبعیض اعتراض دارند، خواستار شایسته‌سالاری و کارآمدی و اقتدار نظامند، بهبود شرایط اقتصادی و رفاه عمومی و عدالت اجتماعی را مطالبه‌گرند، جویای تعمیق و افزایش امنیت اجتماعی و سلامت اخلاقی و رشد فرهنگی هستند، رعایت حقوق شهروندی و احترام به شخصیت انسانی و امیدواری به آینده را برای نسل کنونی و جدید مشتاقند، قانونمداری و قانونمندی همه احاد مقامات و مسئولان و مأموران را خواهند، مصونیت‌زدایی از وابستگی و پیوستگان را خواهند،

جوان



| روزنامه جوان | شماره ۶۶۲۹

و خویشاوندان الیگارش فاسد مالی و سیاسی و اداری را از رزمندگان، برای دزدان بیت‌المال و خائنن به امانات مناصب و مسئولیت‌ها تنبیه در ناک و تشهیر سوزناک و مجازات خوفناک می‌طلبند، فراگیری و تسریع عذرخواهی صادقانه و صمیمانه و جبران فی‌الغور خبط و خطاهای مدیران را انتظار دارند، مقابله سریع و بی‌قید و شرط مجریان قانون با هنگ ابرو و حیثیت و حرمت و عزت نفس و دماء و حقوق شهروندی همگان را خواستارند و به اصلاحات مستمر درون‌زا و تحقق آرمان‌های انقلاب، عمیقاً معتقد و دل بسته‌اند. اما این مردم معترض و مطالبه‌گر، در کف خیابان هانیستند، در دل آشوب‌ها حضور ندارند و برای آشوبگران بوق و کف نمی‌زنند. این مردم، در پیاده‌روها و خیابان‌ها و مراکز عمومی، غمگین و نگران، تماشاگر و شاهد خاموش و ملتهب بلبشوی شورشیانند، در اتوبوس و مترو و خانه و مسجد و مدرسه و دانشگاه و اداره و کارخانه و کارگاه و مغازه خویش، از مشکلات و نابسامانی‌ها و غلل قریب و بعید تلاطم‌های اجتماعی و نارضایتی‌ها سخن می‌گویند، اما با هرج و مرج و آشوب و شورش و جنگ خیابانی و کارگردانی بیگانگان دشمن، عمیقاً و تشدیداً متعلقند؛ بخشی از همین مردم معترض اما واقع‌بین و آرمان‌خواه، در خلال همین ایام اخیر با اجتماعات سراسری و پراکنده علیه آشوب و اغتشاش، در صحنه حاضر شدند، ولی همچون همیشه با انگ تظاهرات حکومتی و فرمایشی و ساندیسی، در کلام اپوز یسیون خارج و داخل، کوچک و حقیر و بی‌اثر زنش نمایانده شدند...».

■ «کلام آخر، یک پول‌پاشی بزرگ!

شاهد نشان می‌دهد در جنگ ترکیبی جاری، یک پول‌پاشی بزرگ و همچنین در تقسیم پست‌ها و مناصب حکومت آینده، سخاوتی کم‌پندیل روی داده است! این رویکرد اما در رفتارهای امریکا در برابر حکومت‌ها و دولت‌های مردمی، پرسابقه است. در این باره ویلیام بلوم، نویسنده امریکایی اثری نشر داده و آن را «سرکوب امید» نام نهاده است. در داخل ایران، این اثر توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی ترجمه و نشر یافته است. بر سیایت این مرکز، در باب دیدگاه‌های این نویسنده امریکایی و ایضاً سند

مهمی که نشر داده است، می‌خوانیم: «مروزه دیگر دخالت‌های سیاسی- نظامی ایالات متحده امریکا در امور سایر کشورها، بر کسی پوشیده نیست. آشوب‌آفرینی و ایجاد تنش در جوامع هدف، در راستای منافع ایالات متحده، از جمله شگردهای سردمداران کاخ سفید است که توسط سازمان جاسوسی امریکا (C.I.A) برنامه‌ریزی و پشتیبانی می‌شود، البته بسته به شرایط فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جوامع، جنس این آشوب‌ها متفاوت است و همواره به‌روزترین روش‌ها، برای تحقق سیاست‌های امریکایی به کار گرفته می‌شود، اما آنچه اسناد و مدارک منتشرشده در ایالات متحده نشان می‌دهد، حمایت‌های مالی و پول‌پاشی‌های سرویس‌های امریکایی تابع سازوکارهایی از این قبیل بود؛ پول‌های سیاهی که سازمان سیا، برای اخلاص در چرخه زندگی مردم یک کشور و پیشرفت سیاست‌های کاخ سفید هزینه می‌کند. ویلیام بلوم، نویسنده امریکایی در یکی از آثار خود که با عنوان سرکوب امید به فارسی ترجمه شده است، به سازماندهی مالی سیابرای ایجاد تغییرات و پیشبرد سیاست‌های امریکا در جوامع مختلف اشاره می‌کند. بلوم در سال ۱۹۶۷ و به دلیل مخالفت با سیاست‌های امریکا در ویتنام، از وزارت خارجه امریکا استعفا کرد و آنگاه یکی از بنیانگذاران و سرسریبان واشنگتن فری پرس، نخستین روزنامه مستقل در پایتخت امریکا شد. او در سال ۱۹۶۹ رساله‌ای درباره فعالیت‌های سازمان سیا نوشت و در آن، نام و نشان بیش از ۲۰۰ کارمند سازمان را افاش کرد، سپس به عنوان روزنامه‌نگار مستقل در امریکا، اروپا و امریکای جنوبی به کار پرداخت. وی اثری در نقد سیاست‌های امریکا منتشر ساخت و در آخرین روزهای حیاتش، به فعالیت رسانه‌ای و فیلمسازی روی آورد و در سال ۲۰۱۸ از دنیا رفت. ویلیام بلوم بر پیوست یکم کتاب سرکوب امید، نموداری از عنوان چگونه پول دست به دست می‌شود؟ منتشر ساخت که حائز اهمیت است. در توضیحات این نمودار که منبع آن به نقل از واشنگتن پست ۲۶ فوریه ۱۹۶۷ درج شده، آمده است: سازمان مر کزی اطلاعات برای رساندن پول به افراد و سازمان‌های گوناگون، ووجه خود را مستقیماً به تعدادی از بنیادهای می‌پردازد. نام بنیادهای یادشده، در حلقه نخستین این نمودار ذکر شده است. برخی از این بنیاده‌ا، بیشتر به کارهای دیگری می‌پردازند و بعضی صرفاً مجراهای ارتباطی سیا هستند. بنیادهای نیز پول را به سازمان‌های خصوصی دیگر می‌پردازند. نام این سازمان‌های خصوصی در حلقه دوم ذکر شده است. گذشته از منبع دوم که به دشواری می‌توان سازمان‌های مزبور را بخشی از مجراهای سیاست‌ناخت. آنها وچوه سِزی را به گروه‌ها، سازمان‌ها و طرح‌های مطالعاتی مشخص که به تصویب سیار سیده و نام‌های‌شان در حلقه آخر ذکر شده است، می‌رسانند. وظیفه آنان توزیع پول در میان افراد است. این نمودار دایره‌ای که بیش از نیم قرن پیش واشنگتن سن آن را منتشر کرده است، اطلاعات قابل توجهی دارد. در هسته مرکزی این نمودار، سازمان سیا قرار گرفته و منابع مالی از حلقه اول در قالب نهادهایی همچون: بنیاده‌ا، مؤسسات خبریه و صندوق‌های مختلف، به حلقه دوم که آن را اتحادیه‌ها، انجمن‌ها و کمیسیون‌ها شکل می‌دهند، سرریز می‌شود. در حلقه سوم مؤسسات پژوهشی، مراکز مطالعاتی، مؤسسات مطبوعاتی، کنگره‌ها و کنفرانس‌ها قاهر قرار دارند. در چهارمین و آخرین حلقه این نمودار، گروه‌های اثرگذار در جامعه هدف قرار دارند که برخی از آنها عبارتند از: دانشجویان، روزنامه‌نگاران، سازمان زنان، هنرمندان و نویسندگان، وکلای دادگستری، اتحادیه کارگری و...».